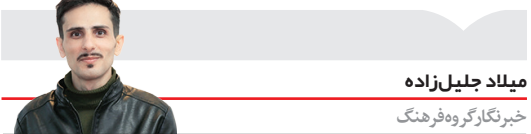


فیلم سینمایی «بانوی بهشت» با عوامل و سرمایه انگلیسی جنگ را به داخل جهان اسلام آورد

دفاع از شیعه باکیف انگلیسی!



میلاد جلیل‌زاده

خبرنگار و روزنامه‌نگار

یک فیلم انگلیسی درباره تاریخ صدراسلام ساخته شده که نویسنده آن یاسر الحبیب، یک ملای جوان کویتی است؛ کسی که در اوایل قرن جدید میلادی، به‌دلیل توهین به یکی از همسران پیامبر اسلام از کویت اخراج شد و تابعیت او را سلب کردند. او سپس به لندن رفت؛ جایی که سیدمجتبی حسینی شیرازی، یکی از اعضای خاندان شیرازی و برادر کوچک‌تر صادق شیرازی از سال‌های دهه پنجاه در آن سکونت دارد. روزنامه‌دیلی‌میل گزارش داد: یاسر الحبیب در دهکده ترومنند فولمر در اطراف باکینگهام‌شر جنوبی با خبرداری یک کلیسای متروکه به قیمت

دومیلیون پوند، آن را به مرکز فعالیت‌های خود ازجمله شبکه تلویزیونی فکد تبدیل کرد.
اخبار ساخت این فیلم که ابتدا نامش باعذاب بود و بعدها با عنوان بانوی بهشت منتشر شد، ابتدا از همین شبکه بیرون آمد و حتی یاسر الحبیب روی آنتن فکد برای ساخت این فیلم از مخاطبانش درخواست کمک مالی کرد. به غیر از یاسر الحبیب، عمده عوامل فیلم همه انگلیسی هستند. کارگردان کارآلی کینگ‌است که این فیلم اواش بوده وچندان هم تبلیغ در شبکه ماهواره‌ای فکد، توسط مخاطبان این شبکه تأمین شده است. چیزی که به‌طور منطقی چندان به‌راحتی باورپذیر نیست و یاسابقه‌تر بود، مهمی‌الحسینی وحسین‌الشمری تهیه‌کنندگان اجرایی انگلیس بخش می‌شود و قاطبه علمای شیعه با آن زاویه دارند، نتوانند به‌عبارت دقیق‌تر با فیلمی طرف‌هستیم که مشخص است عوامل فیلم،

یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۴۶۱۳

یکشنبه ۲۲ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۴۶۱۳

ادامه از صفحه ۱۲



هم مسلمان هراسی هم تفرقه‌افکنی

یک نکته تحریک‌آمیز که در فیلم بانوی بهشت وجود دارد و توجه به آن -به‌دلیل استفاده از آن- بسیار راهگشاست، نمایش چهره بعضی از اصحاب پیامبر و استفاده از صدای پیامبر به‌عنوان صدای راوی است. حالا که فیلم به دلیل اعتراض خیابانی تعدادی از مسلمانان از چرخه اکران در انگلستان خارج شده، همه‌جا عنوان می‌شود که این اعتراض‌ها به دلیل نمایش چهره پیامبر اسلام در فیلم بوده است. هیچ‌کس به‌خصوص درمیان مخاطبان غربی نمی‌گوید که مشکل اساسی این فیلم تفرقه‌افکنی بین دو گروه شیعه و سنی است. اصار به استفاده از صدای پیامبر به‌عنوان راوی، برای رسیدن به چنین وضعی صورت گرفته وگرنه به‌لحاظ دراماتیک نیاز خاصی به آن نبود و می‌شد-روش‌های دیگری را به کار برد. اگر به‌واقع قصد نهایی عوامل فیلم تحریک گسل‌های اعتقادی نبود، می‌توانستند با صرف‌نظر از موارد بدیهی اختلاف‌برانگیز فقهی، بهانه را از ممنوع کنندگان این فیلم بین اهل سنت بگیرند؛ اما آنها می‌خواستند غیر از تحريم این فیلم توسط علمای شیعه که علنا به دلیل «برهیزر از تفرقه‌افکنی بین مسلمانان» بود، از جانب اهل سنت هم فیلم با عنوان و دلیلی غیر از تفرقه افکنی تحریم شود. آنها می‌خواستند مساله تفرقه‌افکنانه بودن این فیلم برپایه مسائل دیگری برود که چنین هم شد. حالا مخاطبان جهانی می‌گویند مسلمانان باز هم به دلیل اینکه در عالم هنر تصویر از پیامبران نمایش داده شد، به خیابان ریخته‌ند و گفته شده‌است به دلیل تجمع ۱۰۰ نفره تعدادی از مسلمانان، به‌طور کل این فیلم از چرخه اکران در سراسر بریتانیا حذف شد. مسئولان ابر اعلان کرده‌اند به دلیل ترس از جان کارکنان ششان این لغو را پذیرفته‌اند و می‌دانیم چنین تعبیری، چه چهره زشت و ترسناکی از مسلمانان ارائه می‌دهد. یک نفر در توییتر نوشته بود میلیون‌ها مسیحی به چندین و چند فیلم سینمایی اعتراض کردند اما همه این فیلم‌ها اکران شدند؛ حال آنکه ۱۰۰ نفر مسلمان اعتراض کردند و فیلم از پرده پایین آمد.

این یعنی به مسلمانان می‌گویم که ما از شما می‌ترسیم. همه اینها به پای نمایش چهره پیامبر در فیلم نوشته می‌شود، درحالی که چنین نیست. اولاین فیلم چهره پیامبر نمایش نمی‌دهد و تصویری درواور از او را در ها‌ه‌آلی از نور نمایش داده است و ثانیاً پیش از این در فیلم محمد رسول‌الله مجید مجیدی، نه‌تنها چنین صحنه‌هایی به کرات نمایش داده شده بود، بلکه حتی پیامبر را در دوران کودکی اش بدون نقابی از نور نمایش دادند. اگرچه نسبت به این فیلم هم انتقادهایی صورت گرفت اما هیچ‌جا هیچ تجمعی نشد و فیلم حتی نتوانست به‌عنوان نماینده ایران در مراسم اسکار شرکت کند. به‌عبارت صریح و خلاصه، مساله فیلم نمایش چهره و صدای پیامبر نیست اما سازندگان فیلم، این مین گذاری را داخل آن انجام دادند تا بعدها بشود اعتراض‌های را بر این قضیه سوار کرد، نه مساله تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی. متأسفانه از جانب علمای اهل سنت هم در واکنش به این فیلم، هیچ تأکیدی راجع به وحدت شیعه و سنی انجام می‌دهند که در صحنه اصلی غیبت داشتند. نکته دوم که در تکمیل همان نکته نخستین می‌آید، اما موضع آنها نسبت به صهیونیسم است. چرا

سوزه فیلم چیست؟

مهم‌ترین نقطه اختلافی شیعیان و اهل سنت!

ماجرای فیلم در سال ۲۰۱۴ آغاز می‌شود. لیث پسری عراقی است که دربحوجه حمله داعش، کشتن مادرش فاطمه را توسط این گروه‌ک مجلوی چشمانش می‌بیند. او توسط یکی از جنگجویان حشدالشعبی به نام رائد نجات پیدا می‌کند و رائد، لیث را به فرزندگی قبول می‌کند. آنها با هم به بغداد می‌روند و رائد، لیث را برای نگهداری به دست مادر بزرگ خود می‌سپارد. شبی لیث با دهن کابوس از خواب می‌پرد و مادر بزرگ، برای آرام‌کردنش به بالایی او می‌آید. مادر بزرگ از اینجا به بعد تصمیم می‌گیرد بخشی از داستان زندگی حضرت فاطمه‌زهرا را برای لیث تعریف کند. روایت فیلم به ۱۲۰۰ سال پیش منتقل می‌شود و داستان زندگی حضرت فاطمه(س) را می‌بینیم. ... ماجرای فیلم سرآخ بحث‌برانگیزترین نقطه اختلافی بین شیعیان و اهل سنت رفته است. بر کسی پوشیده نیست که این کار عمدی بوده و در آن قصد تحریک اهل سنتن دیده می‌شود. این فیلم منتسب به جریان تشیع انگلیسی است که به فرقه شیرازی هم معروف هستند. آنها گروهی از شیعیان به سرکردگی بیت صادق شیرازی هستند که نسبت به اهل سنت عقاید تکفیری دارند. صادق شیرازی به لحاظ علمی دارای جایگاه قابل‌توجهی نیست و تنها دلیل مطرح‌شدن اولیه ناشی از انتساب او به میراث شیرازی، مجتهد بزرگ شیعی در دوران‌های گذشته بوده؛ کسی که نتوانست به لحاظ مرتبه علمی درمیان علمای شیعه نام بلند کند، به ناچار با تأکید بیش‌ازحد روی نقای اختلافی بین اهل سنت و شیعیان، به سمت جذب اقلیت‌های فکری خاصی رفت که به این نوع تفکرات تمایل دارند و از دایره تبعیت نسبت به مرجعیت شیعه بیرون زده‌اند. حمایت انگلستان از این جریان می‌تواند جای خالی چوهارت شرعی را برای یک مجتهد خودخوانده که پیروان بسیار اندکی دارد، پر کند؛ کسی که تمام علمای طراز اوق تم تأکید داشتند مرجعیتش قابل‌تأیید نیست. انگیزه انگلستان اما بابت حمایت از یک روحانی شیعه به‌طور طبیعی نمی‌تواند در راستای منافع اسلام و شیعه باشد. انگلستان از دیرباز روی تفرقه‌افکنی بین شیعه و سنی برای پیشبرد اهداف حساب باز کرده بود و این شیوه را نه‌فقط بین شیعه و سنی بلکه بین گروه‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی و فکری ایجاد کرده است. تمام علمای قم نسبت به این مساله آگاهی داشتند و درمورد فیلمی مثل بانوی بهشت، چمלקی آنها با فاطمیت نامشای فیلم را به‌دلیل تأکید روی مسائل تفرقه‌افکنانه محکوم کردند. اینجا اما به‌طور طبیعی باعث‌شد جلوی ساخت این فیلم گرفته شود؛ چراکه منابع تأمین مالی آن، محل ساخته‌شدنش و حتی عوامل آن به درون جهان اسلام برمی‌گشت و فیلم در انگلستان با بازنگران و سایر عوامل انگلیسی‌وبه زبان انگلیسی ساخته شد.



فتوای علمای قم درباره فیلم بانوی بهشت

در سال ۱۳۹۵ که بر تلاش‌های شبکه تلویزیونی فکد برای تهیه و نشر فیلم «بانوی بهشت»، که در آن روزها با عنوان «یوم‌العذاب» شناخته می‌شد، مشخص شد، علمای قم نسبت به این قضیه واکنش نشان دادند.



کدام قرائت از حضرت زهرا(س)؟ شیرازی یا شریعتی!



اشفاق‌گار قدس را زیرسوال ببرند. اصولاً جریان تکفیری، چه شیعه و چه سنی، اولویت خودش را مذهب اسلامی مقابلش قرار می‌دهد، نه صهیونیست‌ها. داعش هم دقیقاً به همین شیوه رفتار می‌کرد و چون تأیید علنی اسرائیل، اولویتش از قلع‌وقمع مسلمانان شیعه و حتی اهل سنتش می‌مث‌ال خودخواند فکر نمی‌کردند، دراهه داده بود. نیروها و سران داعش کارشان تا جایی پیش رفته بود که برای درمان و مداوا به اسرائیل می‌رفتند. از آنها حتی یک گلوله به سمت شهرک‌نشین‌ها شلیک نشده؛ حال آنکه شهادتین را از مسلمانان شیعه و اهل سنت می‌شنیدند و دین‌فشان می‌کردند تا هیچ‌راششان را جا‌قوف ببرند. جریان تکفیری شیعه هم اولویت خودش را مسلمانان گروه مقابل قرار می‌دهد و همه اینها می‌تواند منجر به ایجاد یک حاشیه امن برای صهیونیست‌ها شود. شاید به این ترتیب بتوان دلایل گسل‌شدن انواع حمایت‌ها از جانب انگلستان به سمت چنین گروه‌هایی را بهتر درک کرد. نام فاطمه را از سیاست عاری می‌کنند و بر زبان جاری می‌سازند تا ستون‌های صهیونیسم به شکل ظالمانه‌ای باقی بمانند. قرآن درآین‌باره می‌فرماید: «لکه اهل حق را بها ابطال».

تأکید صرف روی جنبه‌های تاریخی اسلام بدون تلاش برای عبرت‌آوری از آن وقایع، برای همتایان امروزی همان نظام‌ان‌ هزار سال پیش بی‌خطر و برای معادلان امروزی مظلومان آن روزگار بی‌فایده و بی‌اثر است. این اسلام غریب‌سای و فکشی، وجودش برای غربی‌ها و به‌خصوص انگلیسی‌ها نه‌تنها خطرناک نیست، بلکه مفید است. آنها برای دفع خطر از جانب اسلام سیاسی و تلاش هستند تا چنین جریان‌هایی را علم کنند و به تقویت‌شان بپردازند.

کتابی داشت مرحوم دکتر شریعتی با نام «فاطمه طاهمه است»، کتاب‌هایی دکتر شریعتی حتی امروز هم در جهان عرب و به‌خصوص مصر جدید چاپ می‌شوند و این درحالی است که مصر، مرکز اولویت خودش را مذهب اسلامی مقابلش قرار می‌دهد، نه صهیونیست‌ها. داعش هم دقیقاً به همین شیوه رفتار می‌کرد و چون تأیید علنی اسرائیل، اولویتش از قلع‌وقمع مسلمانان شیعه و حتی اهل سنتش می‌مث‌ال خودخواند فکر نمی‌کردند، دراهه داده بود. نیروها و سران داعش کارشان تا جایی پیش رفته بود که برای درمان و مداوا به اسرائیل می‌رفتند. از آنها حتی یک گلوله به سمت شهرک‌نشین‌ها شلیک نشده؛ حال آنکه شهادتین را از مسلمانان شیعه و اهل سنت می‌شنیدند و دین‌فشان می‌کردند تا هیچ‌راششان را جا‌قوف ببرند. جریان تکفیری شیعه هم اولویت خودش را مسلمانان گروه مقابل قرار می‌دهد و همه اینها می‌تواند منجر به ایجاد یک حاشیه امن برای صهیونیست‌ها شود. شاید به این ترتیب بتوان دلایل گسل‌شدن انواع حمایت‌ها از جانب انگلستان به سمت چنین گروه‌هایی را بهتر درک کرد. نام فاطمه را از سیاست عاری می‌کنند و بر زبان جاری می‌سازند تا ستون‌های صهیونیسم به شکل ظالمانه‌ای باقی بمانند. قرآن درآین‌باره می‌فرماید: «لکه اهل حق را بها ابطال».

پاسخ آیت‌الله‌الصفای کلایپاکانی

بسم‌الله الرحمن الرحیم
علیه‌کم‌السلام ورحمه‌الله



ایجابنب بارها و بارها تذکر داده‌ام که همیشه شیعیان و مأمورزه با این بیت عصمت و طهارت‌سالم‌الله علیهم‌الجمین باید مراقب باشند که اعمال آنها موجب تقویت دین شیعیان و مسلمان و نشر معارف نورانی قرآن و عترت گردد و مقتضیات زمان و مکان را رعایت نمایند و از کارهایی که نتیجه آن توهین بی‌احتراستی به اسلام و مذهب گردد و تعدادی از شیعیان مظلوم به وسیله ابیاد دشمنان اسلام مجروح بش‌ شهید گردند و عده‌ای از اوطان خود آواره گردند اجتناب نمایند.

علی‌ه‌ذا مومنین باید کامل مراقبت را داشته و از هرگونه فعالیت مانند ساختن فیلم و... که چنین نتایج سوئی دارد بر حذر باشند.

و اغتشوا بخیل‌الله‌خیمیا ولا تفرقوا

۲۷ ماه مبارک رمضان ۱۴۲۷



پاسخ آیت‌الله‌العظمی سبحانی
بسم‌الله الرحمن الرحیم

در این اوضاع و شرایط حاکم بر کشورهای اسلامی با توجه به فتنه عظیمی که امروزه به وسیله اجانب برپا شده که امتیعیان باید مراقب باشند که اعمال آنها موجب تقویت دین شیعیان و مسلمان به دست مسلمانان شیعه و سنی نشود و در نتیجه صهیونیسم به مردم عراق و سوریه از خانه و کاشانه خود آواره و به غرب پناهنده می‌شوند و به سبب پیش از رسیدن به مقصد در دریا غرق می‌گردند؛ در این شرایط و اوضاع، بسیار دور از عقل و تقوالت است کیلیمی ساخته‌شود که در باطن فقط خواسته دشمنان را تأمین کند؛ بنابرایناس ساخت آن حرام و... که چنین نتایج سوئی دارد بر حذر باشند.

والسلاموالهدون)

جعفر سبحانی

سینمای ایران اتفاقات سال تاریخی ۸۸ را چگونه بازنمایی کرد؟

جامعه‌شناسی غایب سینمای ۸۸



بست‌ر نمایش حرف‌های جدی و مهمی در مورد جامعه ایران باشد. در نمونه‌های زیر از منظر جامعه‌شناسی برخی آثار سینمایی با موضوع فتنه ۱۳۸۸ را بررسی خواهیم کرد؛ اینکه چقدر فیلمسازان ایرانی در پرداخت آثارشان سراغ گسل‌های اجتماعی ایران رفتند و بساگاهی کلان‌نگر این اتفاقات مهم گرفته‌بود و همین وضوح در نمایش این وقطعی می‌تواند

پایان‌نامه

این فیلم از نمونه‌های سینمایی است که برخی می‌گویند خیلی عجلانه سراغ اتفاقات سیاسی سال ۸۸ رفت و موافقتش با «پایان‌نامه» را سدشکن تولید فیلم در زمینه فتنه می‌نامند. بااین‌حال این فیلم نتوانست نه نظر منتقدان سینمایی را جلب کند و نه مخاطبان سینما را. در زمان رونمایی هم موافقان و مخالفان فیلم کاری به قصه و داستان شکل‌گیری آن نداشتند، بلکه بیشتر فرامتن حاکم بر نمایش فیلم باعث شده بود که یک وقطعی عجیب در مواجهه با این اثر سینمایی شکل بگیرد. اولین بار هم وقتی در سالن نمایش برج میلاد و در جشنواره بیست‌ونهم فجر به نمایش درآمد؛ سایه همین وقطعی کلاما محسوس بود. سالن نمایش تبدیل به کارزاری برای قدرت‌نمایی دوسر طرف سیاسی شده بود. این فیلم دومین تجربه کارگردان جوانی به نام حامد کلاهداری بود. بعد از ساخت این فیلم هم دیگر نتوانست با نخواست در جریان حرف‌های فیلمسازی حضور داشته باشد. ضعف فیلم‌نامه پایان‌نامه باعث شد این فیلم حتی از یک روایت داستانی سروش‌گل دار هم محروم باشد و بیشتر در حد ادا کردن یک‌سری شعارهای کلیشه‌ای سیاسی باقی بماند. این ضعف فیلم‌نامه هم بی‌دلیل نبود، چون نویسنده فیلم هم به هادی کلاهداری برادر حامد کلاهداری بود که پیش از این هیچ تجربه‌ای در فیلم‌نامه‌نویسی نداشت.



اخراجی‌ها ۳

مسعود دمکنی ازجمله فیلمسازان پرورش سینمای دهه ۸۰ سینمای ایران است که با حمایت جریان‌های فرهنگی دولت احمدی‌نژاد از بدنه مطبوعات جدا شد و پایش به سینما دانسانی باز شد. او پیش از اخراجی‌ها، با ساخت مستندی ۱۰۰ دقیقه‌ای به نام فقر و فقشاه علاقه‌مندیش از به ارائه تحلیلی طبقاتی از جامعه ایران نشان داده و در این باره گفته بود که این مستند حاصل تحقیق و نگارش یک‌ساله است که مسائلی همچون فقر و فقشاه را در میان لایه‌های مختلف اجتماعی بررسی می‌کند. اگرچه اخراجی‌ها ۳ که عنوان یک کمدی سیاسی را بی‌دک می‌کشید توسط مخاطبان را به سالن‌های سینما بکشاند اما با توجه به همین دلایل فیلم نتوانست عمیقاً به مسائل این حادثه ورود کند. اما اینکه در فاصله کمتر از چندماه از حادثه ۸۸، چرا قعه فیلمسازی در مورد این اتفاقات با نام مسعود دمکنی و تیمش خورد، آن هم از فیلمی که بیشتر دنباله فیلم‌های قبلی فیلمساز بود، نه به‌خاطر علاقه‌مندی این اکرانگردان به نمایش دقیق از وقایع آن سال‌ها، بلکه بیشتر به سبب اعتماد سیاسی بود که وزارت ارشد دولت احمدی‌نژاد به دمکنی داشت.



گزارش یک جشن

این فیلم به‌لحاظ زمانی آنقدر به اتفاقات ۸۸ چسبیده بود که نتوانست خودش را از حواشی آن روزها نجات دهد. به‌خصوص که ابراهیم حاتم‌کیسبا کارگردان فیلم، به‌خود در سمت یک جناح سیاسی بود که یک‌طرف دعوائی آن سال‌ها قرار داشت. واکنش‌ها به فیلم حاتم‌کیسبا خیلی شدید بود و او در گفت‌وگویی که سال ۸۹ با نام طالع‌بازاده داشت با اشاره به همین حجه‌ها گفت: «اینها از آفات شست‌ر من است و کارش نمی‌شود کرد. دوست و دشمن... توجه دارند که چه می‌سازم و در نتیجه زیر ذره‌بین هستم. من فیلم‌هایم فیلم‌های است و وقتی از سینما بیرون می‌آیی تازه شروع می‌شود و آنچه کاشته‌ام مخاطب را درگیر می‌کند، حتی علیه خودم و فیلمم عمل کند باز هم هست. در همان صحنه طالع‌بازاده پرسید که آیا بخش‌های از این فیلم مطنه به اتفاقات ۸۸ داشت و حاتم‌کیسبا صراحتاً گفت که اصلاً نتشنتن کتاب و وارد ادبیات نوشتن ادب من نیست.

حاتمی‌کیا در همان صحنه‌ها ریشخند کسانی که از ورود به عرصه‌های سخت فیلمسازی برهیز می‌کنند، گفت: «من وارد حوزه‌ای می‌شوم که حوزه سختی برای بیان شما. شما اصلاً جرات ندارید که وارد آن شوید ولی من آن را می‌سازم». دوربین حاتم‌کیا در گزارش یک جشن، به سمت جوان‌ها است. مساله او هم برای ورود به لایه‌های زیرین اجتماع ایران هم به کنجکاوی نسبت به ریزست جوان امروز ایرانی است. او در این باره گفت: «گرم‌ام می‌گردد که برخی جوانان را می‌بینم که ویروسی هم می‌ایستند. اینها بحث‌هایی است که کاش تحمل نظام می‌گذاشت که وارد آن حوزه‌ها بشوید و نظام هنوز عصی است. درام گزارش یک جشن وقتی شکل گرفت که وقتی جوانان می‌خواهند خودشان را بشناسند اگر افشا آمینتی بشود، فضا به سمت دیگری می‌رود و کمیت که این ساله را انکار کرد؟» حاتم‌کیا در همان صحنه‌های جدایش با طالع‌بازاده تأکید کرد فقط دلش می‌خواست که حرف روز را با تعبیر خودش بزند و هیچ تعلق‌خطری به رنگ، حزب یا گروهی ندارد. با این حال این فیلم هیچ‌گاه رنگ اکران را ندید.

قلاده‌های طلا

اتفاقات بعد از نمایش «پایان‌نامه»، «گزارش یک جشن» و «اخراجی‌ها ۲» از دلایلی بود که ابوالقاسم طاهنی کمی تأمل کند و چسبیده به حوادث سال ۸۸ فیلمش را نساخت. کمی تأمل کرد تا قصه‌های آمینتی و سیاسی این حادثه از زیر غبارها خارج شود و بعد سراغ نوشتن یک فیلم‌نامه سینمایی رفت. دو چالش مهم پیش روی تیم سازنده قلاده‌های طلا بود؛ یکی همجه و فقشارهای سنگین رسانه‌ای بود که به‌شدت نسبت به تولید هرگونه فیلم با موضوع اتفاقات ۸۸ واکنش نشان می‌داد و دومین چالش اینکه عمده قصه‌های با این مضون، نمی‌توانست از لاف‌اف یک نگاه آمینتی و سیاسی بیرون بیاید.

طاهنی با اینکه تلاش کرد بسا قصه‌های موازی به فضای اجتماعی روزهای ۸۸ کانال بزند و از زیور اخلاقیاتی بگوید که حتی به لایه‌های زیرین خانواده‌ای ایرانی نفوذ کرده بود؛ اما تجمع قصه‌های این فیلم مبتنی بر داده‌های سیاسی و آمینتی این اتفاق بود. اگرچه در همین نقطه هم نقدی به قلاده‌های طلا وارد بود که سطح دشمنی و دشمنان آمینتی را در حد جانی واکنش نشان داده است.

ماه گرفتگی

فتن‌سال بعد از واقعه و در سال ۹۵، فیلمی ساخته شد که باز هم نتوانست نظر مخاطبان را جلب کند. این فیلم باز هم عاری از هرگونه پرداخت دقیق و بی‌هراس به مسائل اجتماعی سال ۸۸ بود. ماه‌گرفتگی همان گرفتاری را داشت که متوجه آثار مشابهش نبود. مستقیم گویی و بدون در نظر گرفتن چالش‌های مردم‌عدای، نه توانسته بود یک جمع‌بندی دقیق از وقایع آن سال داشته باشد و نه اینکه توانست یک خط فکری منسجم برای انش‌ش به وجود آورد.

